

رومیان ۱۲، ۸ تا ۱۲ نور، تاریکی را از بین می‌برد.



هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می‌آورد 9. زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن 10». محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق شریعت است 11. و شما با آگاهی از این که در چه زمانی به سر

می‌برید، چنین کنید. زیرا هم‌اکنون ساعت آن رسیده است که از خواب بیدار شوید، چرا که اکنون در مقایسه با زمانی که ایمان آوردیم، نجات ما نزدیکتر شده است 12. شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیایید اعمال تاریکی را به سویی نهیم و زره نور را در بر کنیم.

عشق به چه معنی است؟ آیا عشق به این معنی است که باید همه را بپذیرید؟ بله هتماً! آیا عشق به این معنی است که باید همه چیز را بپذیرید؟ نه! من فکر می‌کنم این تمایز واقعاً ضروری است زیرا بسیاری از مزخرفات تحت پوشش عشق انجام می‌شود. به عنوان مثال، چندی پیش، چهار مرد با یکدیگر ازدواج کردند. همه این کارها به نام خدا و به نام کلیسا انجام شد. کشیش این مراسم را با این جمله توجیه کرد که آن چهار مرد واقعاً عاشق یکدیگر بودند. در آن کار بسیار واضح است که کشیش خدا را به نام عشق، کاملاً ندیده گرفت. اگر عشق به تنهای معیار همه چیز باشد، مردم می‌توانستند به راحتی با سگ داشهوند یا قناری خود ازدواج کنند. زیرا مطمئنم که بسیاری از مردم این حیوانات را نیز دوست دارند. بنابراین، این سوال از همه مهم‌تر است: اصلاً عشق چیست؟

برای درک این موضوع، نگاهی دقیق‌تر به واژه کتاب مقدس برای عشق مفید است. در زبان یونانی، در واقع سه کلمه برای عشق وجود دارد. اول، اصطلاح فیلتو وجود دارد که عشق افلاطونی را توصیف می‌کند. دوم، اروس، که عشق بین زن و مرد را توصیف می‌کند؛ و سوم، آگاهیه، که عشق فداکارانه خدا را بدون هیچ قید و شرطی توصیف می‌کند. در آیات رومیان، پولس منحصرأ از اصطلاح آگاهیه استفاده می‌کند. بنابراین، در این متن، در مورد عشق الهی است. برای پولس، این عشق پایه و اساس است که تمام احکام خدا از آن گرفته شده اند. بدون این عشق، خود احکام بی‌معنی هستند. این در مورد جایگزینی احکام خدا با یک عشق رمانتیک نیست، گویی گفته می‌شود: «از آنجایی که ما واقعاً یکدیگر را دوست داریم، می‌توانیم هر کاری انجام دهیم» برعکس: عشق خدا به ما قدرت می‌دهد و در واقع منبع توانایی ما برای دوست داشتن همسایه‌مان است. علاوه بر این، مشخص می‌شود که عشقی که پولس در مورد آن صحبت می‌کند، شامل یک تصمیم بسیار آگاهانه نیز است. برای این کار واژه کایروس به کار برده می‌شود که به معنی لحظه الهی است. وقتی از کلمه یونانی کایروس استفاده می‌شود، به این معنی است که خدا زمان خاصی را برای وقوع چیزی تعیین کرده است. مرگ عیسی بر روی صلیب و رستاخیز او، لحظات کایروسی در تاریخ نجات ما هستند. در رابطه با زندگی ما، ما در لحظه کایروس هستیم زیرا منتظر آمدن دوم مسیح هستیم و بنابراین زمان

کوتاه است. بنابراین لحظه کایروس لحظه مهمی برای تصمیم گیری است: ۱۲ « شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیایید اعمال تاریکی را به سویی نهیم و زرۀ نور را در بر کنیم.

بنابراین زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، زمان تصمیم گیری مهم است. و آن چیست؟ ما به خدا نگاه می‌کنیم. و در آنجا می‌بینیم که این تصمیم به چه معنی است. خدا، در تمام زمان با تمام تمرکز خود بر ما متمرکز است. به نظر می‌رسد دیدگاه ما به عنوان انسان برعکس است. من می‌خواهم این دیدگاه را با حالت سلفی در تلفن‌هایمان مقایسه کنم. همانطور که می‌دانید، همه تلفن‌های مدرن نیز دوربین دارند. و این دوربین می‌توان به دو روش استفاده کرد. می‌توانید به سمت بیرون نشان دهید و از مردم و دنیای اطراف خود عکس بگیرید. یا می‌توانید دوربین را روی حالت سلفی تنظیم کنید. سپس دوربین به سمت من نشانه می‌رود و از خود عکس بگیرم. خدا در عشق خود حالت سلفی ندارد. او همیشه بر دیگری متمرکز است. و وقتی ما در چارچوب عشق خدا هستیم، دیدگاه ما نیز تغییر می‌شود. از خودمان دور می‌شویم و به سوی دیگری می‌رویم. حالا من همچنین می‌فهمم که چرا پولس از کلمه آگاه، یعنی عشق الهی، استفاده می‌کند. زیرا این عشق که بر دیگری متمرکز است، الهی است و انسانی نیست. تفکر انسانی ما ذاتاً بر خودمان متمرکز است. بنابراین عشق الهی یک معجزه معنوی است که در درون ما اتفاق می‌افتد و تحول خواه را در درون ما و در دنیای ما آغاز می‌کند. برای درک بهتر همه اینها، می‌خواهم وضعیت خود پولس رسول را در نظر بگیرم و نامه او به رومیان را چیزی شبیه به این تصور کنم:

زمانی که پولس نامه خود را به رومیان نوشت، واقعاً دوران خطرناکی بود. به خصوص در شب، سربازانی با شمشیرهای کوتاه از خانه‌ای به خانه دیگر می‌رفتند و مسیحیان را به قتل می‌رساندند. کلیسای روم تقریباً نابود شده بود. و سپس آموزه‌های دروغینی وجود داشت که پولس بایستی در برابر آنها بجنگد. پولس از نبردها خسته شده بود و از وسوسه‌های شیطان خسته شده بود. او با خود فکر می‌کرد در برابر چنین قدرتهایی چه کاری می‌توان انجام داد؟ در دوردست، نوری دید و صداهایی شنید که کمی افکارش را منحرف کرد. او صداهایی را که از خانه آکیلا و پریسیلا می‌آمد، شنید. و از آشپزخانه آنها، نور به شدت می‌تابید و به اتاق کوچک او در آن سوی خیابان می‌رسید. آکیلا و پریسیلا در حال آماده کردن غذا بودند. بار دیگر، آنها باید مهمانان را دعوت می‌کردند. قرار بود کلیسا ملاقات کند. آنها مزامیر می‌خواندند، کتاب مقدس را می‌خواندند، به انجیل عیسی مسیح گوش می‌دادند و سپس برای همه نیازهای جهان دعا می‌کردند... آکیلا و پریسیلا، همانطور که قبلاً اغلب انجام می‌دادند، همه چیز را به خوبی آماده کرده بودند. پولس وقتی به آکیلا و پریسیلا فکر می‌کرد، گرمایی در قلبش احساس می‌کرد. آنها مانند چراغی در کلیسا و در کل شهر قرن‌تس بودند. چه قدرتی از آنها می‌درخشید! ... پولس به رومیان فکر کرد و ناگهان کلمات دوباره از قلمش جاری شدند. او می‌خواست بگوید که نفرت و آزار و اذیت دولت نمی‌تواند به انجیل آسیبی برساند. اگر در نور عیسی بمانیم، حتی شیطان هم نمی‌تواند به ما حمله کند. «هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. ...» این جمله با عجله از قلم او نوشته شد. او در نوشته خود، آنچه را که معمولاً با هم مرتبط نیستند، به هم پیوسته کرد: شریعت و عشق. پولس در نامه خود به رومیان، به تفصیل شرح داده بود که چگونه شریعت بدون مسیح تأثیر مرگباری دارد. وقتی مردم سعی می‌کنند شریعت را به تنهایی حفظ کنند، ریاکار می‌شوند. زیرا آنها هرگز نمی‌توانند به تنهایی این کار را انجام دهند. شیطان می‌خواهد به چنین افرادی بخندد. چقدر برای او آسان است که مسیحیان را با روش‌های خودشان بکشد! او می‌گوید: «آنچه درست است را انجام دهید و بهشت را به دست خواهید آورد!» یا به عبارت مدرن: «تا زمانی که یکدیگر را دوست دارید، همه چیز خوب است و می‌توانید هر کاری انجام دهید که می‌خواهید انجام دهید» و با این حال ما مسیحیان در حال حاضر مشغول کندن قبرهای خود هستیم. اما با مسیح و قدرت او، همه چیز متفاوت است.

پولس نور آکیلا و پریسیلا را دید و می‌توانست صدای ورود اولین مهمانان را بشنود. نور خانه آکیلا و پریسیلا از آن سوی خیابان به اتاق او می‌تابید و قلب او را نیز روشن می‌کرد. بار دیگر، او غریبه‌های ک را دید که آنجا ایستاده بودند. آنها نیز مجذوب نور آکیلا و پریسیلا شدند، حتی اگر نمی‌دانستند این نور از کجا آمده است! بله، هیچ کس نمی‌تواند علیه نور عشق کاری انجام دهد، حتی دولت روم! کلیسای کوچک در روم بیرون رانده شد. برخی حتی کشته شدند. اما عشق را نمی‌توان خاموش کرد. زیرا عشق از مردم نیست، بلکه در خود خدا سرچشمه گرفت. بنابراین، باید باقی بماند. همانطور که خورشید فردا طلوع خواهد کرد، تاریکی شیطان نیز بیرون رانده خواهد شد. تاریکی نمی‌تواند هیچ کاری علیه خدا و عشق او انجام دهد! پولس می‌خواست مسیحیان روم را تشویق کند. به همین دلیل ادامه داد: تاریکی که اکنون در زندگی خود تجربه می‌کنید ابدی نیست. باید از بین برود. اما خدا و عشق او ابدی هستند. بنابراین، «بیایید اعمال تاریکی را کنار بگذاریم و زره نور را بپوشیم.» نوری که پولس رسول از آن صحبت کرد هنوز خاموش نشده است. رومی‌ها نتوانستند آن را خاموش کنند. بسیاری از حکومت‌های دیگر نیز نتوانستند آن کار را انجام دهند. حتی امروز، نور انجیل به تمام جهان می‌درخشد. این نور به ما نیز رسیده است. امروز، به عنوان نمادی از این نور، شمعی را در تاج گل ظهور مسیح روشن کرده‌ایم. از این پس، هر هفته تا کریسمس یک شمع جدید روشن خواهیم کرد و تولد مسیح را جشن می‌گیریم. با این کار، می‌خواهیم دقیقاً همان چیزی را بگوییم که پولس در آن زمان گفت. در اطراف ما، هنوز تاریک است. در اطراف ما، هنوز چیزهای زیادی وجود دارد که ما را غمگین و ناامید می‌کند. امروزه هنوز آزار و اذیت مسیحیان وجود دارد. و رنج بی‌پایانی در نقاط مختلف جهان وجود دارد که مردم شکنجه و کشته می‌شوند. اما با وجود همه اینها، شیطان هرگز نمی‌تواند نور عیسی مسیح را خاموش کند. ما مسیحیان امروز تقریباً همین احساس را داریم. ما سالگرد ازدواج هلموت و اریکا را جشن می‌گیریم. با قدردانی عمیق، آنچه را که خدا برای شما انجام داده است به یاد می‌آوریم. مطمئناً مواقعی وجود داشت که همیشه نمی‌توانستید عشق را احساس کنید یا آرزوی آن را داشته باشید. گاهی اوقات لازم بود که آگاهانه تصمیم بگیرید که در کنار هم بمانید و در کنار هم باشید، حتی زمانی که این احساس وجود نداشت. و دقیقاً برای همین تصمیم است که به کمک و قدرت خدا نیاز داریم. ما به تنهایی، درمانده و بدون جهت هستیم. اما وقتی مسیح از طریق غسل تعمید در درون ما ساکن می‌شود، به منبع نوری در زندگی ما تبدیل می‌شود. ما بارها و بارها به سوی مسیح جذب می‌شویم. و او نوری است که در درون ما می‌درخشد. آمین.